



انسان نابارور

سعید عبدالملکی

روان‌شناس، مشاور، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (تهران)

ناباروری، به ترس‌ها و تردیدهای ما درباره‌ی توانایی‌ها و قابلیت‌های مان اطلاق می‌شود. ما از حد‌اعلای امکانات و توان خود وحشت می‌کنیم و همین وحشت، مانع از اقدام به استفاده از حداکثر امکانات ماست. دو مساله‌ی مهم، یکی "هیجان‌زدگی" و "دیگری ترس"، هسته‌ی اصلی ناباروری به‌شمار می‌رود.

بالقوه، مغرور می‌سازد و همین خودشیفتگی در واقع، زمینه‌ساز در جازدن و توقف پویایی فرد می‌شود. روی دیگر این شیدایی، نوعی رضایت‌مندی کاذب از قابلیت‌ها و دارایی‌های موجود است که به‌واقع چیزی جز خودفریبی نیست چراکه این نوع رضامندی، موجب بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری فرد از به‌فعل در آوردن همه‌ی استعداد‌های موجودش می‌شود. از جنبه‌ای دیگر، گاهی فرد از رویارویی و تعامل با توانش‌های درونی خود و پرورش آن‌ها، احساس حقارت و ناتوانی می‌کند. این همه، ویژگی‌های یک فرد نابارور است که نمی‌تواند به‌زایش و

در پیرامون خود افراد بی‌شماری را می‌بینیم که از شکوفایی و بارور بودن، هراس دارند و می‌ترسند بیش‌تر از آن‌چه اکنون هستند، باشند و همین ترس از «شدن»، موجب می‌شود تا اقدامی جهت رشد و پیشرفت خود انجام ندهند و هم‌چنان در وضعیت موجود باقی‌مانند. ترس از فراتر رفتن و دیدن افق‌های دور، در پس ذهن آنان همیشه فعال است. بعد دیگر این قضیه، هیجان‌زدگی است. به‌همان اندازه که ترس، مانع بارور شدن اندیشه‌ها و احساسات می‌باشد، هیجان‌اتی هم‌چون سرخوشی و شیدایی بیش از حد، افراد را از داشتن امتیازها و نیروهای

خلاقیت دست بزند. فرد نابارور در حالت کلی، یک موجود ترسو است و ترس او دو خاستگاه دارد:

۱- ترس از حضور خود ۲- ترس از حضور دیگران

چنین فردی از این که حضور داشته باشد و به معنای واقعی کلمه خود را ابراز کند، وحشت دارد چرا که به ضعف های خود، آگاهی مفرط دارد. پرواضح است که همه ی انسان ها، حایز ضعف ها و قوت ها هستند اما بعضی، همیشه نیمه ی خالی لیوان را می بینند و همین امر موجب می شود قضاوتی از سر بدینی با خود داشته باشند و به جای یک ضعف، ده ضعف در خود ببینند. ترس از حضور دیگران، به این دلیل است که فرد، شناخت جامع و واقعی از دیگران ندارد. از این رو، ژست ها و خودنمایی های دیگران را به حساب برتری آنان می گذارد و از آنان غول می سازد.

ویژگی های انسان نابارور:

ترس از چالش: به طور معمول، چالش یا مبارزه ی مثبت با دنیای اطراف، لازمه ی پیشرفت است. فردی که روز خود را آغاز می کند، بایستی با این ذهنیت، گام های خود را بردارد که هر لحظه ممکن است مانعی برای او وجود داشته باشد و او می بایست آن مانع را با منطق و درایت خود، فتح کند و گامی دیگر را بردارد. -

راضی به حفظ وضع موجود: فرد نابارور به وضع موجود و چهاردیواری خود، راضی است و اگر تغییر و پویایی از او دیده شود، فراتر از این چهاردیواری نیست. -

محافظه کاری: در حالت کلی، محافظه کاری، نشانه ی ضعف است. انسان های محافظه کار، شاید چیزی را از دست ندهند اما چیز قابل توجهی را هم به دست نمی آورند. - **معاشرت با دیگران:** چنین افرادی سعی دارند با شرایط دیگران کنار بیایند یا به نفع آنان از بسیاری مسایل و حقوق خود، چشم پوشی کنند. در واقع یک نوع تعامل منفعل با دیگران دارند که بیش تر وقت ها، ضرر می کنند. -

فقدان تنوع: این قبیل افراد، از تنوع بخشیدن به وجوه گوناگون زندگی خود، ناتوان هستند. شاید تا ماه ها و سال ها، یک وضعیت یکنواخت را زیست کنند. رفتارهای آنان از قبیل پوشش ظاهری (لباس، کفش، عینک و...)، اتومبیل، خانه، مسیر تردد و... تکرار روزهای قبل و ماقبل است. رگه ای از شاعرانگی و رمانتیک بودن، جایی در زندگی آنان ندارد. -

فقدان اجتماعی بودن: افراد نابارور، میانه ی خوبی با اجتماع ندارند، از تجربه های گوناگون دیگران بهره نمی گیرند، کمتر اهل مشورت هستند و بیش تر طبق نگرش های خود عمل می کنند.



می ماند و به آن اکتفا می کند و یا این که دچار حزن و اندوه می شود و از این که نتوانسته جنبه های گوناگون زندگی خود را به شکوفایی برساند، دچار تعارض درونی می شود.

خروج از ناباروری:

بی شک لازمه ی برخوردار ی از یک زندگی پویا و موفق، برخوردار ی از شخصیتی است که با نظری باز و مثبت، به خود و دیگران توجه کند و به طور عموم از دو خصوصیت زیر برخوردار باشد: انگیزه برای گسترش افق های زندگی: تا زمانی که فرد میل درونی برای پیشرفت در خود احساس نکند، تغییری رخ نخواهد داد و تا زمانی که فرد خود را متقاعد نکند که زندگی اش ارزش آن را دارد که برای پیشبردش به جلو، تلاش کند، نتیجه ای حاصل نخواهد شد.

شهامت ریسک کردن: به دنبال داشتن میل برای پیشرفت، انگیزه برای خطر کردن نیز می آید. ریسک کردن، موجب افزایش تنش در شخص می شود و این تنش در مواردی که فرد هم چون یک تالاب بر جای خود را کد مانده است و توان جریان یافتن ندارد، لازم است. زندگی، یک ارزش مهم و باشکوه است، از این رو می ارزد که آدمی در مواقعی تن به خطر بدهد و اگر لازم شد، پای لرز آن هم بنشیند.



تنبلی: بیش تر وقت ها از زیر بار مسوولیت، شانه خالی می کنند. به خوردن، خوابیدن، سپری کردن روزمره و وقت کشی، تمایل دارند. -

انگیزه های خود خواهانه: بیش تر به نفع خودشان کار می کنند، به خیر عمومی فکر نکرده و خیر شخصی را دنبال می کنند. -
توقف در حاشیه: توجه بیش از حد به یک بجعد از زندگی، موجب تثبیت شدن در همان بعد می شود و این به مرور زمان، به کلیشه تبدیل می شود و برای فردی که در این وضعیت قرار گرفته است، دو حالت رخ می دهد: یا برای همیشه در حاشیه

